

سرمقاله

ریشه های داخلی فجایع را بخشانیم

بسم الله تابان

آنچه برای دومین بار در کنذ اتفاق افتاد، آنچه در کنز رخ داد، آنچه دو سرباز در طی یکماه اخیر در غزنی و پکتیا انجام دادند، و... تمامی دال بر اینست که وقوع این فجایع با همکاری نفوذی ها در داخل صورت گرفته است.

شهر کنذ سقوط کرد و هیبت حقیقت یاب تنها در گزارش خود از ضعف مدیریت مسولان امنیتی یاد کرد، در حالیکه به روشنی آفتاب در آن قضیه دستان داخلی نمایان بود. مسافران از مسیر راه اختطاف می شسوند و بعد توسط دستگاه هایی تثبیت هویت می شسوند، این یعنی چی؟ چرا ما اقدام به از بین بردن اطلاعات آن نکردیم، دستگاه بایومتریک ما چرا تاکنون دارای یک اریشف یا ذخیره مرکزی نشده که در صورت بروز چنین حوادث بتوانیم مدیریت کنیم؟

سربازیکه در کنز تمام محققان اش را شهید کرد و رفت، قضه اش چی شد؟ چی کسی حداقل به عنوان معرفی کننده یا ضامن آن سرباز بازداشت و مورد فشار قرارگرفت؟ سرباز تروربست زاده ای که در روضه غزنی چهار همکار اش را شهید ساخت قضیه اش به کجا رسید؟

شما دقیق شوید در قضیه اخیر کنذ ، دشمن نصف شب با سلاح و مهمات و منظم در شاهراه عمومی مستقر می شود و ساعتها دست به انسان کشی و اختطاف می زند، اما کسی خبر نمی شود. دشمن با خیال راحت انسانیهای بیگناه و مظلوم را در منطقه انگور باغ یا جاده اصلی منحرف و در قریه ای عمر خیل می برد، در حضور مردمان محل به ضرب و شستم و تالاشی و بازجوی و کشتن می پردازند. همان مردمانیکه روزانه در شهر کنذ دکانداری می کنند

با ممکن با بسیار از مسولان چای و قهوه را همه روزه بنوشند. در جانب دیگر شما بروید به دفترچه موجودی و وضعیت شب شب نیروهای امنیتی به ویژه پوولیس شاهراه نظر اندازید که در دقیق در همین ساعات که تروربستان داشتند هموطنان ما را می کشتند، آنها چی نوع راپور را درج کرده اند، بدون شک این ساحة شامل گزمه ششپانه نیروهای امنیتی است. من مطمئن هستم که مسول گزمه آن ساعات در دفترچه راپور اش اینگونه وضعیت را عادی گزارش داده است.

ما می توانیم وضعیت را تغییر دهیم، مشروط بر اینکه اراده کنیم. ما میتوانیم تروربستان را نابود کنیم مشروط به این در مسیر نابودی تروربست ها باشیم. اما این اراده زمانی به وجود می آید که واقعا سیاست خارجی قوی و استراتژیی منظم داخلی داشته باشیم. جنگ موجود در افغانستان قبل از اینکه به بعد داخلی یا امنیت ملی آن بیشتر وابسته باشد، دقیقا به چگونگی سیاست خارجی ما وابسته است. جنگ همواره وسیله ای برای سیاست بوده و خواهد بود. سیاست دقیق منجر به ختم جنگ و تأمین صلح و ثبات می گردد. و تنها صلح است که ارزش کسب کردن و به دست آوردن را دارد، اما کسب صلح فقط به معنی اجتناب از درگیری مسلحانه نیست، بلکه همچنین به معنی یافتن راه حل های است که حذف علت های خشونت فردی و جمعی را امکان پذیر می سازد. علت های همچون بی عدالتی، ظلم و ستم، جهل و فقر اقتصادی، عدم تسامح و تبعیض. باید به این موارد بعلاوه ارزش های مدیریتی و مسلکی جنگ برای تأمین صلح و ختم جنگ نیز توجه کرد.

ما باید استراتژیی قوی سرکوب دشمن را روی دست داشته و فوراً عملی کنیم این دشمن تنها آن تروربست تفنگ بدست نیست، این دشمن در مساجد در ظاهر قانونی و دینی ما ارام خفه است، دشمن را باید در هر جا و هر لباس و شکل و قیافه شناسایی و نابود کنیم. و در جانب دیگر در محلات تحت حاکمیت قانون یا دولت واقعبند و استادی و تطبیق قانون کنیم، عدالت کنیم و برابری.

افغانستان سال های طولانی است که با جنگ، خشونت و ناامنی دست در گریبان است و اکنون نیز هر روزه حادثه های متعددی از جنگ، انتحار، انفجار، قتل و ویرانی در گوشه و کنار کشور اتفاق می افتد و دهها نفر از هموطنان ما قربانی اینگونه خشونت ها می شسوند. فقر کمزشکن، بیکاری روزافزون، فساد گسترده در بدنه ی ادارات دولتی افغانستان، حوادث طبیعی از قبیل خشکسالی و طوفان بر مشکل ناامنی و خشونت افزوده شده و زندگی را بر شهروندان کشور تلخ کرده است و آینه کشور را برای بسیاری از آنان تاریک و تار.

یکی از پیامدهای تلخ این وضعیت، آواره گی یخش بزرگی از شهروندان کشور است. بسیاری از این آواره گان تن به مهاجرت داده و کشور را به امید یافتن پناهگاهی امن برای زندگی و در جستجوی اندکی آسایش و رفاه، ترک کرده اند. یخش بزرگی دیگر از این آواره گان که نخواستند اند یا بنا به دلایلی نتوانسته اند کشور را ترک کنند، در داخل مرزهای کشور آواره شده اند و در حالی که شماری از آن ها سال ها است که در آواره گی داخلی به سر می برند، تعدادی دیگر از شهروندان به تازگی مجبور به ترک خانه و مسکن شان شده اند و به صورت بیجاشده داخلی روزگار و زندگی سختی را پشت سر میگذرانند.

سازمان عفو بین الملل به تازه گی از افزایش بی جا شدگان داخلی در کشور خبر داده است و در گزارش تازه ی خود، گفته است که جنگ باعث شده است تا شمار این افراد، به بیش از یک میلیون تن برسد.

در گزارش عفو بین الملل که دیروز سه شنبه ۱۱ جوزا منتشر شد، آمده است که در سال ۲۰۱۳ شمار افرادی که بر اثر جنگ در افغانستان، بیجا شده بودند، ۵۰۰ هزار نفر بود که اکنون، به ۱/۲ میلیون تن افزایش پیدا کرده است.

عفو بین الملل در این گزارش تحقیقی، دریافته است که با وجود وعده های رهبران حکومت وحدت ملی، بیجا شده های داخلی هنوز از نبود سر پناه، غذا، آب، خدمات صحت

و فرصت های تحصیلی و شغلی رنج می برند. یافته های این گزارش تحقیقی همچنان نشان می دهد که شمار زیادی در افغانستان، به صورت اجباری خانه های شان را ترک کرده و همه روزه با تهدید مواجه هستند. این سازمان بین المللی، مطلبی را خطاب به رییس جمهور غنی در وب سایت خود منتشر کرده و گفته است که ۱/۲ میلیون بیجاشده ی داخلی، آب، نان و سر پناه ندارند و لطفاً پالیسی بیجاشده گان داخلی را تطبیق کنید. عفو بین الملل از بازدید در کنار گان سایت خود خواسته است تا این مطلب را در صفحه توئیتر شان به اشتراک است و در گزارش تازه ی خود، گفته است که جنگ باعث شده است تا شمار این افراد، به بیش از یک میلیون تن برسد.

در گزارش عفو بین الملل که دیروز سه شنبه ۱۱ جوزا منتشر شد، آمده است که در سال ۲۰۱۳ شمار افرادی که بر اثر جنگ در افغانستان، بیجا شده بودند، ۵۰۰ هزار نفر بود که اکنون، به ۱/۲ میلیون تن افزایش پیدا کرده است.

عفو بین الملل در این گزارش تحقیقی، دریافته است که با وجود وعده های رهبران حکومت وحدت ملی، بیجا شده های داخلی هنوز از نبود سر پناه، غذا، آب، خدمات صحت

عفو بین الملل در این گزارش، از مقامات افغانستان و جامعه جهانی خواسته است تا هر چه زودتر نیازمندی های اساسی و ضروری این بیجا شدگان داخلی را بر آورده کنند.

زن ۵۰ ساله ای در هرات که بیجا شده و در یک کمپ به سر می برد، به سازمان عفو بین الملل گفته است: «من ترجیح می دهم که در زندان باشم تا در این کمپ، حداقل در زندان ما نگرانی از آب و نان نداریم.» اکثر خانواده های بیجاشده در خیمه ها

ضرورت توجه به بیجاشده گان داخلی

مهدی مدیر



کار توجه دارد.

بیجاشده گان داخلی معمولاً در مناطق امن تر و دارای فرصت های شغلی بهتر جایجا می شوند؛ مناطق اطراف شهر های بزرگ مثل کابل، هرات، مزار، قندهار و جلال آباد، محل های بوده است که همواره محل رجوع آواره گان بیشتری بوده است. نیازمندی مراقبت های جدی تر می باشند. این مشکلات، شرایط زندگی را برای آن ها بسیار سخت و رقت بار می سازد و آن ها را در معرض بیماری های گوناگون قرار می دهد. به همین خاطر شماری از این افراد آسیب پذیر به اثر سرما یا گرما یا بیماری جان شان را از دست می دهند.

علی رغم آنکه بیجاشده گان داخلی شدیداً به کمک ها و مساعدت های دولت و نهادهای کمک کننده بین المللی و داخلی وابسته اند، اما شمار زیادی از خانواده های بیجاشده از مساعدت ها محروم می مانند، از سوی دیگر، مقدار مساعدت های صورت گرفته بسیار اندک و ناکافی است و نمی تواند نیازمندی های بیجاشده گان را پاسخ بگوید. این مساعدت ها نیز غالباً به نیازمندی های آنی و فوری بیجاشدگان مثل: آب و غذا رسیدگی می کنند و کمتر به نیازهای درازمدت تر آنها مثل آموزش و

بیجاشده گان، از قبیل حق مسکن، حق

دسترسگی به آموزش و تعلیم، حق صحت، حق محیط زیست سالم و حق داشتن امنیت، توجه جدی صورت نگرفته است.

بیجاشده گی داخلی یک امر ناخواسته و جبری است که بیجاشده گان را مجبور به ترک خانه و محل زندگی شان می کند. بیجاشده گان مسکن و فرصت ها و امکانات زندگی مناسب را در کنار بسیاری از حقوق دیگر خسود، همانند برخورداری از رفاه و آسایش، سسطح کیفی مناسب زندگی، حق دسترسی به آموزش و پرورش، حق صحت و دسترسی به خدمات صحتی، حق مصونیت غذایی و دسترسی به آب و غذای صحتی و مناسب و بسیاری دیگر از دارای های خود را از دست می دهند. از دست دادن این موارد، شرایط زندگی را برای بیجاشده گان داخلی بسیار سخت و طاقت فرسا می سازد و توجه به مشکلات آنها را به یک امر جدی و ضروری مبدل می سازد.

بیجاشده گان داخلی با از دست دادن همه ی امکانات زندگی سابق خود در جریان بیجاشده گی، مجبور هستند هیچگونه پشتوانه اقتصادی، در محل جدید برای خود زندگی نو و تازه بسازند و چون با ناتوانی اقتصادی و کمبود شدید امکانات مواجه اند، نمی توانند وضعیت زندگی شان را بهبود بخشند؛ به همین لحاظ شدیداً به کمک و مساعدت دولت و نهادهای کمک کننده وابسته هستند و در صورت قطع شدن این کمک ها و یا توقیف و تاخیر در پرداخت آن، مشکلات آنها جدی تر می شود.

بیجاشده گان داخلی به حمایت جدی حکومت و نهادهای بین المللی نیازمند هستند، حکومت مسئولیت دارد که به مشکلات زندگی آنها توجه و رسیدگی جدی کند. آنها به عنوان شهروندان کشور، حق دارند تا از زمینه های حد اقلی زندگی برخوردار شوند و زندگی شان از معرض خطر بیجاشده گی داخلی نجات داده شود.

حکومت وحدت ملی باید بصورت جدی به حل دایمی مشکلات بیجاشده گان داخلی بروداز و تلاش نماید تا با روی دست گرفتن بیجاشده گان داخلی را پاسخ بگوید. نقطه پایان به بیجاشده گی داخلی بگذارد.

حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی ضرورت توسعه پایدار

علی اصغر رضوانی/قسمت سوم و پایانی



جایگاههای میراث جهانی بشناسند. باید به مناسبات میان حفاظت و توسعه توجهی درخور شأن و ارزش و اهمیت آنها ابراز شود» (۲/ص ۴). مقتضیات میراث فرهنگی و طبیعی را باید از همان نخستین مراحل برنامه ریزی اقتصادی و برنامه ریزی آمایش سرزمین در سطوح منطقه ای و ملی در نظر گرفت و از این طریق

می توان تا حدی تضمین کرد که مسؤلان و دست اندر کاران میراث طبیعی و فرهنگی با رعایت کامل ارزشهای فرهنگی از شرایط لازم برای دستیابی به نتایجی مناسب که از لحاظ اقتصادی کارسازند، برخوردار شوند. بنابراین باید به ایسن واقعیت پی برد که اگر بخواهیم به توسعه فرهنگی نیز پی بوزیم و از این طریق

باید به ایسن واقعیت پی برد که اگر بخواهیم به توسعه فرهنگی نیز پی بوزیم و از این طریق

آن برآیند، اما به لحاظ بی اطلاعی نسلهای کنونی از ارزش و اهمیت میراث فرهنگی و کم توجهی دولتها به این امر مهم سبب شده است این گونه آثار و ارزشهای مادی و معنوی در معرض خطر نابودی قرار گیرند و کم اهمیت جلوه داده شوند» (۳/ص ۴۰).

آن برآیند، اما به لحاظ بی اطلاعی نسلهای کنونی از ارزش و اهمیت میراث فرهنگی و کم توجهی دولتها به این امر مهم سبب شده است این گونه آثار و ارزشهای مادی و معنوی در معرض خطر نابودی قرار گیرند و کم اهمیت جلوه داده شوند» (۳/ص ۴۰).

گام در فرآیند توسعه پایدار، شناسایی محیط زیست طبیعی و حفاظت از آنچه که توسعه پایدار استفاده نمود. بی تردید ادامه حیات طبیعی، متناسب و منطقی هیچ جامعه ای ملتی بدون رعایت اصول و مبانی حاکم بر فرآیند اقتصاد فرهنگی نیست. اقتصاد فرهنگی ذاتاً نیازهای جوامع انسانی را تأمین خواهد نمود. منظور از اقتصاد فرهنگی آن دسته از فعالیت هایی است که انسانها در محیط زیست خود بر پایه معیارها و بنیانهای اصولی و اعتقادی، با در نظر گرفتن ارزشهای معنوی و مادی به انجام می رسانند در اقتصاد فرهنگی هدف برقراری عدالت اجتماعی است و به این اصل اعتقاد دارند که محیط زیست اعم از طبیعی یا انسانی خاستگاه اصلی و مداوم توسعه است. این رو» اولین

پس، از هم اکنون با تکیه بر ارزشهای والای انسانی و هویت فرهنگی افراد هر جامعه باید از توانمندیهای آنان به عنوان نیروهای کارآمد در جهت ایجاد عوامل مؤثر برای دستیابی به توسعه پایدار استفاده نمود. بی تردید ادامه حیات طبیعی، متناسب و منطقی هیچ جامعه ای ملتی بدون رعایت اصول و مبانی حاکم بر فرآیند اقتصاد فرهنگی نیست. اقتصاد فرهنگی ذاتاً نیازهای جوامع انسانی را تأمین خواهد نمود. منظور از اقتصاد فرهنگی آن دسته از فعالیت هایی است که انسانها در محیط زیست خود بر پایه معیارها و بنیانهای اصولی و اعتقادی، با در نظر گرفتن ارزشهای معنوی و مادی به انجام می رسانند در اقتصاد فرهنگی هدف برقراری عدالت اجتماعی است و به این اصل اعتقاد دارند که محیط زیست اعم از طبیعی یا انسانی خاستگاه اصلی و مداوم توسعه است. این رو» اولین



Footer area containing contact information for the Daily Afghanistan newspaper, including phone numbers, email addresses, and social media links.